

چالش‌های کرونایی و هویت دینی در ایران

مقدمه

در بازشناسی تأثیرگذاری، شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ... ویروس کرونا (کووید-۱۹) و شیوع ناگهانی آن، با برداشت‌هایی اصولی و کارا و گاهی سست و بی‌پایه، آن‌قدر سریع اتفاق افتاد، که همه نخبگان کشور به ویژه علما، فضلا، فعالان اجتماعی، روان‌شناسان، سیاسیون، جامعه‌شناسان و ... را به واکنش‌های منفی و یا مثبت واداشت.

ایران به‌لحاظ شواهد تاریخی - اجتماعی و هم به دلیل وضعیت خاص دین در نظام جمهوری اسلامی در پیوند با دیگر ساحت‌های زندگی اعم از سیاست، جامعه، اقتصاد و ... وضعیت متفاوتی را در مواجهه با ویروس کرونا تجربه کرده است. حضور دین در ایران کاملاً از الگوی سکولار حضور دین در کشورهای دیگر متمایز است و این تمایز خودش را در لحظات بحرانی نظیر شیوع ویروس کرونا نشان داده است. اما از میان وجوه متعدد دین، به دلیل تأثیر شیوع این ویروس بر وجه اجتماعی حیات انسان و ضرورت اتخاذ زندگی قرنطینه‌ای، وجه مناسکی و اجتماعی دین بیش از دیگر ابعاد آن در معرض نگاه‌ها قرار گرفته است.



دکتر بهزی

کرونا یک جریان عمده‌ای است که عرصه‌های مختلف از ساحت سیاسی گرفته تا نظام اجتماعی، خانواده و دین را دچار تغییرات عمده کرده و می‌کند. نباید این پدیده و جریان را به یک اتفاق در عرصه پزشکی تقلیل دهیم. جریان کرونا همه عرصه‌های زیست ایرانی و غیر ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است. کرونا را نمی‌توان صرفاً با بعضی از ویروس‌های دیگر مقایسه کرد. این پدیده را حداقل باید با جریان‌های عمده در جهان مدرن چون جنگ و انقلاب یا جریان توسعه و نوسازی مقایسه کنیم.

اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان کرونا و جنگ تحمیلی انجام دهیم، تأثیرهای کرونا از جهاتی فراتر از دوران جنگ تحمیلی در ایران بوده است. در مرحله اول، جنگ یک بخش از مردم کشور که در غرب و جنوب کشور زندگی می‌کردند متأثر ساخت و در مرحله دیگر، به دلیل تبدیل شدن جنگ از یک حادثه حاشیه‌ای و مرزی به امری ملی و مهم، بخش‌هایی دیگر از جامعه ایرانی را با خود درگیر ساخت. به طور خاص، جنگ تحمیلی زمانی از امری حاشیه‌ای و مرزی به امری سیاسی و ملی تبدیل شد که ایدئولوژی آن ساخته شد.

این ایدئولوژی با محوریت حضرت امام علیه السلام صورت‌بندی شد. با این وجود جنگ هم چنان به نقش‌آفرینی بخشی از نیروهای اجتماعی کمک کرد. در دوران جنگ، جمعیت خاصی در میدان حضور داشتند که بعد از پایان دوره جنگ، این نیروها وارد عرصه بازسازی و

بنابراین شکل خاص مناسک دینی در ایران می‌تواند شکل متمایز مثبت یا منفی مواجهه ایرانی با کرونا را در قیاس با کشورهای دیگر رقم بزند. به نظر می‌رسد مناسک دینی در ایران بتواند به عنوان متغیر مستقلی در تحولات دوره شیوع کرونا و پسا کرونای نقش‌آفرینی کند و شاید بر شکل‌گیری الگوی اسلامی - ایرانی مواجهه با کرونا به عنوان متغیر وابسته تأثیر بگذارد.

آنچه در پی می‌آید، برداشت‌هایی از مجموعه دیدگاه‌های دکتر تقی آزادارمکی (استاد تمام دانشگاه تهران) است، که مجله «حوزه» توانسته کلیدواژه و ابعاد این موضوع اجتماعی را که همگان به نوعی درگیر این مهم هستند را فرادید خوانندگان محترم نهد.

● جامعه‌شناسی از جنگ تحمیلی و کرونا در هویت دینی ایران

از این که کرونا چه امری است و چه وضعیتی دارد، اتفاق نظر در میان صاحب‌نظران وجود ندارد. گروهی آن را حتی در این زمان که دامنه بیماری و کشته‌های ناشی از آن فراگیر شده است، در قدوقامت یک ویروس می‌دانند که صرفاً فرد ضعیف یا کسانی که بهداشت را رعایت نمی‌کنند، متأثر می‌کند. در مقابل، ادعای اصلی من این است، که کرونا یک جریان عمده و فراگیر اجتماعی می‌باشد که یکی از ابعاد آن بهداشتی و درمانی است. این ادعا را در کتاب اول از سه کتابی که در مورد کرونا در ایران به نگارش در آورده‌ام به تفصیل اشاره کرده‌ام.

جامعه جهانی در مسیر گسترش قرار دارد، آنچه برای ما در پی داشته است ایرانی است و آن را «کرونای ایرانی» می‌نامم. این که آن را تحت عنوان «کرونای ایرانی» تعبیر کردم به خاطر این است که کرونا خیلی ایرانی شده و مختصات جامعه ایرانی را هم با خودش دارد و در نتیجه با کرونا در بیشتر جوامع فرق می‌کند. هرچند در ایران مستقر است و کشورمان در مسیر اثرپذیری از کرونا قرار گرفته و کرونا هم رنگ و بوی این عوامل و عناصر را پیدا کرده است.

طرح مفهوم «کرونای ایرانی» پرسش‌هایی را به دنبال دارد، اما در این جا تنها به اثرات کرونا بر حوزه دین و مناسبات دینی و مراسم دینی خواهم پرداخت. از آن جایی که کرونا به عنوان یک پدیده تمام‌عیار در ایران توانسته است کلیت حیات اجتماعی ایران را به چالش بکشد و مرکز نظام اجتماعی ایرانی را هدف قرار دهد، عناصر و اجزای آن، مانند حوزه دین و مناسک دینی نیز از این تأثیر فراگیر بی‌نصیب نمانده‌اند.

مرکزیت جامعه ایرانی، انسجام و پیوستگی اجتماعی است. در نتیجه اولین اثرات کرونا نیز بر وضعیت پیوستگی، انسجام و سازگاری اجتماعی می‌باشد. شواهد نشان از این دارند که جامعه ایرانی در جریان کرونا به پیوستگی و انسجام اجتماعی بیشتری رسیده است. وقتی که یک جریان فراگیر این‌چنینی رخ می‌دهد، طبیعتاً نقطه کانونی تمامی حوزه‌ها مورد حمله قرار می‌گیرند. کرونا موجب شده است تا رابطه دولت و ملت در دوره جدید بازسازی شود

سازندگی شدند و بیش از ده سال طول کشید تا وارد عرصه‌های سیاسی شوند. جانبازان، رزمندگان، خانواده شهدا و نیروهای مهمی در ساختار نظام اجتماعی و سیاسی نبودند و یک دوره طولانی طول کشید تا اینان به نیروی اثرگذار تبدیل شوند و در سایه نقد دولت‌هایی که قصدشان عبور از موقعیت جنگی و تقویت جامعه و شرایط بعد از جنگ بود، این گروه، امکان سازمان‌دهی پیدا کنند و بتوانند دولت تشکیل دهند.

جنگ بخش عمده جامعه ایرانی را (هم به لحاظ سرزمینی و هم به لحاظ صورت‌بندی نیروها و هم به لحاظ فضای گفتمانی) تحت تأثیر قرار داد. نتایج جنگ در ایران منشأ تحولات عمده ساختاری شد و اثرات آن در دوره معاصر هم چنان باقی و تعیین‌کننده می‌باشد. با وجود این که جنگ توانسته منشأ تغییرات عمده‌ای در ایران شود، اما کرونا در مقایسه با جنگ، هم در مرحله ظهور و هم در مرحله توسعه و فراگیری‌اش، به عنوان پدیده فراگیر ملی اثرات مهم‌تر و ماندگارتری دارد. کرونا به دلیل این که فقط در سرزمین ایرانی مستقر نشده است و در همه جا ظهور کرده و ابعاد بین‌المللی و جهانی یافته است، متفاوت از دیگر پدیده‌ها می‌باشد. این پدیده ضمن این که از جنگ تحمیلی نقش بیشتری در ایران داشته است از جنگ جهانی دوم هم اثرگذارتر می‌باشد. درست است که جنگ جهانی دوم، جهانی شد اما اثراتش بیشتر در اروپا ظاهر شد. با وجود این که کرونا در

جمهوری اسلامی طبیعتاً عرصه مناسک دینی را تقویت کرده است و در این عرصه مراسم و مناسک، به هویت معاصر در نظام گره خورده است. این است که هویت ایرانی، هویت دینی - مراسمی است. هویتی که جمهوری اسلامی براساس آن عمل می‌کند و کشور را مدیریت می‌کند و جامعه براساس هویت دینی - مراسمی سامان می‌یابد. اصلی‌ترین دغدغه علمای دین و حوزه‌های دینی که مرتبط با جامعه می‌باشند، آن است که چه تعداد از مردم در آداب و رسوم دینی و مناسک دینی شرکت می‌کنند. افزایش یا کاهش تعداد مشارکت‌کنندگان در مراسم و مناسک، حوزه سیاست و دین‌داری را تحت فشار قرار می‌دهد. این عنصر، عنصر هویت‌بخش برای مردم ایران است.

● **تطور نیروهای هویت‌بخش در ایران و ضربه کرونا به اسلام مداحی**

اگر نگاه تاریخی به نیروهای هویت‌بخش در ایران داشته باشیم، با تنوع و تکثر آن‌ها

با وجود این‌که جنگ توانسته منشأ تغییرات عمده‌ای در ایران شود، اما کرونا در مقایسه با جنگ، هم در مرحله ظهور و هم در مرحله توسعه و فراگیری‌اش، به‌عنوان پدیده فراگیر ملی اثرات مهم‌تر و ماندگارتری دارد. کرونا به دلیل این‌که فقط در سرزمین ایرانی مستقر نشده است و در همه جا ظهور کرده و ابعاد بین‌المللی و جهانی یافته است، متفاوت از دیگر پدیده‌های باشد. این پدیده ضمن این‌که از جنگ تحمیلی نقش بیشتری در ایران داشته است از جنگ جهانی دوم هم اثرگذارتر می‌باشد. درست است که جنگ جهانی دوم، جهانی شد اما اثراتش بیشتر در اروپا ظاهر شد. با وجود این‌که کرونا در جامعه جهانی در مسیر گسترش قرار دارد، آنچه برای ما در پی داشته است ایرانی است و آن را «کرونای ایرانی» می‌نامیم.

و هم‌پاری برای برون‌رفت از این مشکل در میان همه گروه‌های اجتماعی و عناصر نظام سیاسی بیشتر شود.

کرونا به لحاظ نهادی نیز اقتصاد، سیاست و هم خانواده و دین را تحت تأثیر قرار داده است. به‌طور خاص عنصر مرکزی فرهنگ ایرانی (سازگاری و هم‌دردی و هم‌پاری و دین‌داری) در اثر وقوع کرونا به چالش عمده کشیده شده است. در همین جهت‌گیری است که کرونا، دین در ایران را به هر شکل و ساحتی که حاضر می‌باشد مورد تهاجم قرار داده است. ولی به دلیل این‌که دین در ایران بیش از همه تجلی‌هایش، تجلی عامیانه‌اش فراگیرتر و مهم‌تر شده است، دین عامه و دین‌داری عمومی را متاثرتر کرده. از منظر جامعه‌شناسانه - و نه از منظر دین‌دارانه، اسلام و تشیع در

ایران عنصر هویت‌بخش‌اند و تجلی و ظرف ظهور دین در ایران در مناسک و مراسم است و اساساً ساحت مناسک دینی در ایران خیلی اهمیت دارد. حتی در دوره پهلوی‌ها به‌رغم تظاهر به دین‌داری مسئله آن‌ها دین و دین‌داری نبود و ناچار بودند تا رابطه‌شان را با دین عامه هم‌تراز کنند. این قصه، قصه هویت ایرانی است و هویت ماست و کسی نمی‌تواند از آن عبور کند.

می‌تواند در فضای مجازی هم آن را ارائه کند.

به عبارت دیگر، وجهه هویت‌بخش دین‌داری در حال حاضر دروس خارج فقه علمای بزرگ و مراجع تقلید نیست که کرونا آن را تغییر دهد؛ بلکه مداحان مهم‌تر از علمای دین شده و نقش اصلی هویت‌یابی براساس دین عامه به عهده آن‌ها می‌باشد. در این شرایط، کرونا مرکز دین ایرانی که همان آیین‌ها و مراسمات با تأثیرگذاری مداحان می‌باشد به چالش کشیده است.

از منظر جامعه‌شناسانه، و نه از منظر دین‌دارانه، اسلام و تشیع در ایران عنصر هویت‌بخش اند و تجلی و ظرف ظهور دین در ایران در مناسک و مراسم است و اساساً ساحت مناسک دینی در ایران خیلی اهمیت دارد. حتی در دوره پهلوی‌ها به رغم تظاهر به دین‌داری مسئله آن‌ها دین و دین‌داری نبود و ناچار بودند تا رابطه‌شان را با دین عامه هم‌تراز کنند. این قصه، قصه هویت ایرانی است و هویت ماست و کسی نمی‌تواند از آن عبور کند.

و نقش‌آفرینی‌های متعدد روبه‌رو می‌شویم. در دوران مشروطه، نقش محوری در هویت‌بخشی جامعه بر عهده روشن‌فکران بود، در حالی که در دوران انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی اول، روشن‌فکران و علمای دین با هم این نقش را عهده‌دار بودند. اما بعد از مدتی با ظهور جمهوری اسلامی دوم، از زمان شکل‌گیری آن به شکل سازمانی با محوریت علمای دینی، این نقش به علمای حوزه‌های علمیه واگذار شد. آن‌ها از طریق ابزارهایی که در

اختیار داشتند با توجه به دوگانه هویت ملی و دینی، بر هویت دینی با ارجاع به متون و وقایع و حوادث تاریخ اسلام، ساحت‌های جدیدی از هویت دینی ایرانی ارائه دادند. در جمهوری اسلامی سوم، اندکی پس از آن، جامعه مداحان در ایران این نقش محوری را بر عهده گرفتند. در این نوع از دین‌داری با محوریت مداحان، مناسک و آیین‌های بزرگ نقش پررنگی یافتند. بر این اساس، آنچه دین‌داری را به هم می‌زند، تغییر مراسم و آیین‌هاست. وقتی آدم‌ها نمی‌توانند در مراسم شرکت کنند، عنصر مرکزی دین ایرانی، خصوصاً دین با محوریت مداحان در این مراسم دینی، آسیب عمده می‌بیند و این خیلی متفاوت است با تعطیلی یک درس خارج فقه عالمی که

● جریان‌های دین‌داری پساکرونا

در حال حاضر یک حمله اساسی و جدی به دینمان، به دین جمهوری اسلامی سوم (دوره مداحان)، شده است و اگر این ادامه پیدا بکند، احتمال وقوع شرایط و موقعیت‌های متفاوتی هست، که چند بحث مطرح است: یکی از آن‌ها، بازگشت به شرایط قبل کرونا می‌باشد، زیرا فرض بعضی از افراد این است که کرونا به زندگی افراد کار داشته و به دین و حوزه دین‌داری کاری نکرده است.

دوم، اثرات محدود است، که بعضی از کارشناسان و متخصصان حوزه فرهنگ عمومی و دین عامه به «شرایط تعلیق» و «وضعیت تعلیقی مراسم دینی در ایران» اشاره

زندگی کنند. همان طور که در عرصه موسیقی، موسیقی پاپ آمد و در کنار موسیقی سنتی زیست کرد. ولی موسیقی پاپ توجه دارد که برای موفقیت خود باید مرکزیت موسیقی سنتی را بزند.

در بحث کرونا نیز ممکن است یک بازگشت به دینی که محور آن روضه و آخوند خانگی باشد رخ دهد و دین مداح محور و آیین‌ها و مراسمات بزرگ کنار برود. در این حالت، روحانیت احتمالاً باید خانه به خانه به آدم‌ها سر بزند و از دینی که تا ظهور جمهوری اسلامی سوم با محوریت مداحان وجود داشت، دفاع کند. اگر این کرونا همین طور که هست، بماند. آن جا باید روحانیت تکثیر شود و مبلغان دین به خانه مردم بروند و روضه‌های خانگی یک نفره دو نفره برگزار کنند، یعنی ممکن است چنین سبکی ایجاد شود. چون آن حظ و بهره دینی و احساس خودمانی از فضای مجازی برای دین‌داران دین عامه‌پسند به دست نمی‌آید.

نکته قابل توجه این که دین‌داری اکثر مردم براساس فهم عقلانی و تابع بحث و نظر نیست. دین‌داری اکثر مردم ما بیشتر احساسی و عاطفی است. در این جریان، افزون بر تقویت حضور دین با محوریت روضه و آخوند خانگی، روشن فکران حوزه دین و فهم دین و تاریخ دین رشد

کرده‌اند. از نظر آن‌ها، با تغییر شرایط و پایان وضعیت تعلیقی، مراسم به شکل خودش ظهور می‌کند و مردم به آن‌ها توجه می‌کنند. اما باور بر این است که کرونا اثرات بیش از شرایط تعلیق بر حوزه دین وارد کرده است. به نظر می‌رسد کرونا دو اثر عمده بر حوزه مراسم وارد کرده است: یکی، آیین و مراسم دینی را کاملاً از دستور کار خارج کند که احتمالش بیشتر است. دیگر این که می‌تواند این دوری را تبدیل به یک دل‌تنگی مهم و توأم با غم برای دین‌داران کند.

درواقع یک حالت و برنامه آن است، که تعطیلی طولانی مدت مناسک، یک نوع دل‌تنگی ایجاد می‌کند و نتیجه آن بازتولید اسلام مداحی با قدرت بیشتری شود. در این صورت می‌توان تصور کرد، مداحی‌های خیلی عجیب و غریب رشد خواهند کرد و دین‌داری از نوع این مراسمات در ایران افزایش خواهد یافت که شبه رادیکال افراطی آن ریشه در صوفی‌گری قدیمی ما دارد.

حالت دیگر آن است، که تعویق در شروع مراسم و مناسک، زمینه بازبینی و بازاندیشی در حوزه دین، در حوزه دین عامه و هم در حوزه دین به معنای مناسک و آیین‌ها را پیش آورد. در این صورت، هر دو جریان (موافق و مخالف آیین‌ها)، می‌توانند در عین حال که رقیب هم‌دیگر هستند، در کنار یک‌دیگر زیست

در جمهوری اسلامی سوم، اندکی پس از آن، جامعه مداحان در ایران این نقش محوری را بر عهده گرفتند. در این نوع از دین‌داری با محوریت مداحان، مناسک و آیین‌های بزرگ نقش پررنگی یافتند. براین اساس، آنچه دین‌داری را به هم می‌زند، تغییر مراسم و آیین‌هاست.

نباشد، بلکه در مقایسه با محرم اثرات محدود دارد. نقش مسجد در مراسم دینی رمضان محدود و خودمانی و درون دینی است؛ اما اگر کرونا تا محرم ادامه پیدا کند، در آن جا باید احساس خطر کرد، چراکه در آن جا می‌تواند به تعطیلی عنصر هویت بخش برای ایران منجر شود.

پیدا کنند و وارد میدان شوند. درباره این که در این موضع رقابتی کدام یک موفق خواهند شد باید قدری زمان بگذرد و بعد قضاوت کنیم.

● تفاوت تاثیر کرونا بر دین داری در رمضان و محرم

تأثیر کرونا بر ماه رمضان، متفاوت از ماه محرم است. مناسک رمضان، روزه داری است که بیشتر عمل دینی فردی است و تنها وجه اجتماعی آن حضور در مسجد و در نهایت تشکیل اجتماعات شب‌های قدر است. در حالی که در محرم، مراسم و سازمان‌های دینی ظهوری متفاوت دارند. در محرم، تکیه، حسینیه و خیابان داریم، رسانه داخلی و خارجی داریم و همه این‌ها به اضافه آدم‌هایی است که در ایام محرم و تاسوعا و عاشورا در خیابان و عزاداری حضور دارند و ...

برنامه‌های ماه رمضان، یک مناسک کاملاً فردی و کمی هم خانوادگی است و عمل دینی روزه‌داری فردی و حضور محدود در اجتماعات مذهبی است. در صورت فقدان مسجد و اجتماع دینی، در معرض شنیدن صدایی از رادیو یا دیدن برنامه‌ای از تلویزیون مشکل افراد قابل حل می‌باشد. افراد دینی که در معرض مراسم رسانه‌ای قرار می‌گیرند خیلی متحمل سختی نمی‌شوند. در رمضان، مسجد، خیلی پدیده مرکزی نیست. نه این که اصلاً

● کرونا و بازگشت به عرصه‌های کنش سنتی دین داری با محوریت علما

به نظرم از دو منظر می‌توان به پدیده کرونا نگاه کرد: یکی، آیا این حکومت کاری کرده است و آیا نیروهایش را به خوبی در این مسیر قرار داده و آزاد کرده است؟ دوم، دین داران چه کرده‌اند؟

در پاسخ گفتنی است، که در سطح دین داران، یک بازگشت به عرصه‌های کنش سنتی رخ داده است و این یک اتفاق بسیار خوب برای دین داری می‌باشد، ولی این دیگر آن مناسکی نیست که جمهوری اسلامی سوم مبلغش بود. در دوره‌های

اخیر، به دلیل طرح مشکلات و مسائل به ظاهر مهم دیگر و به طور خاص وجود تحریم، خدمت‌رسانی به مردم تا حد زیادی از دستور کار خارج شده بود. به همین دلیل به طور مداوم بر تعداد فقرا و مشکلات آن‌ها افزوده شد.

حوزه دین به کار خودش پرداخته و آن چیزی که قبل از

در بحث کرونا نیز ممکن است یک بازگشت به دینی که محور آن روضه و آخوند خانگی باشد رخ دهد و دین مداح محور و آیین‌ها و مراسمات بزرگ کنار برود. در این حالت، روحانیت احتمالاً باید خانه به خانه به آدم‌ها سرزنند و از دینی که تا ظهور جمهوری اسلامی سوم با محوریت مداحان وجود داشت، دفاع کند.

دین‌داری، یعنی دین مناسکی را در مقابل دین عقلانی و اخلاقی کم‌بها کند. این که ما همیشه دنبال اجتماعات بزرگ بودیم و با یک متکلم وحده‌ای مثل یک مداح یا عالم دینی که به شکلی مداح قلمداد می‌شد، مواجه بودیم؛ تغییر خواهد کرد.

در این‌گونه مراسمات بزرگ، به دلیل حضور همه یا اکثریت، امکان طرح مناقشه‌ای وجود ندارد و هیچ شبهه دینی پاسخ داده نمی‌شود و فقط وجه عاطفی و احساسی و بیرونی دین تبلیغ می‌شود. به نظر می‌رسد کرونا، این سبک از دین‌داری را مورد مناقشه بنیادین قرار می‌دهد که

البته ممکن است پیامد این مناقشه و چالش بنیادین، بازگشت رادیکال مراسمی باشد.

وقتی که یک جریان فراگیر این‌چنینی رخ می‌دهد، طبیعتاً باید در تمامی عرصه‌ها، کانون آن عرصه‌ها را مورد حمله قرار دهد. در شرایط فعلی، تمامی دین‌داران در سطوح مختلف اجتماعی از کلان و خرد فعالیت و تلاش می‌کنند تا مسائل فقر و بیماری و بیکاری را کاهش دهند. این فعالیت اگر استمرار پیدا کند، رویکرد جدید در عرصه دین‌داری به وجود خواهد آمد که آن وقت، علمای ما باید وارد بحث‌های دیگری در حوزه دین شوند، مانند این که برای گروه‌های فرودست چه کار کنیم؟

انقلاب اسلامی با عنوان خدمت‌رسانی علمای دین، در دستور کار بود از حوزه فعالیت آن‌ها خارج شده بود. در گذشته، عالم دین، در

منطقه خودش، درگیر مسائل و مشکلات مردم و خدمت‌رسانی به آن‌ها بود و حتی به مشکلات اخلاقی آن‌ها توجه می‌کرد و از دیگران کمک می‌خواست تا مشکل آن‌ها را حل کند. دغدغه‌اش نمایندگی حوزه اجتماعی بود. ولی با گسترش حیات جمهوری اسلامی، علمای دینی بیشتر درگیر حوزه رسمی شدند و از حضور در حوزه عمومی خارج گردیدند. در این وضعیت است که کرونا تلنگر

عمده‌ای به حوزه و رفتار علمای دینی وارد کرد. کرونا یک مقداری کمک کرده است که دین‌داران ما از طریق فعال شدن بخش مدنی جامعه، یعنی گروه‌های اجتماعی محلی فعال شوند. این خودش یک گفتمان جدیدی در عرصه دین‌داری ایجاد خواهد کرد.

بر این اساس، این پدیده می‌تواند منجر به بازگشت علما به محوریت دین‌داری در ایران شود. در بیست سال اخیر دین‌داری در ایران را مداحان نمایندگی می‌کردند، نه دین‌داران فاضل و دانشمندان و آخوندها و علمای دینی و روشن‌فکران دینی و مانند این‌ها. به همین دلیل است که می‌گوییم کرونا یک فرصت طلایی ایجاد کرده است. کرونا می‌تواند این سبک از

با گسترش حیات جمهوری اسلامی، علمای دینی بیشتر درگیر حوزه رسمی شدند و از حضور در حوزه عمومی خارج گردیدند. در این وضعیت است که کرونا تلنگر عمده‌ای به حوزه و رفتار علمای دینی وارد کرد. کرونا یک مقداری کمک کرده است که دین‌داران ما از طریق فعال شدن بخش مدنی جامعه، یعنی گروه‌های اجتماعی محلی فعال شوند.

آن به سخره گرفتن و استهزای همه چیز است.

فضای مجازی، اطلاعات دهنده است ولی آگاهی دهنده نیست. وقتی در فضای حقیقی مانند مسجد محله نماز می‌خوانیم، تکلیف ما با مجتهد و خیلی چیزها معلوم می‌شود. ولی در فضای مجازی هزاران عنصر و جهت وجود دارد و انتخاب نوع دین و دین‌داری و مناسک

بستگی به اختیار و ذائقه مخاطب دارد. این فضای مجازی همه را محروم می‌کند و نابود می‌کند. دین‌داری در این فضا، یک دین بدون مجتهد، بدون روحانی، بدون آخوند و بدون آیه‌الله خواهد بود. دینی خواهد بود که فرد و فضای مجازی تعیین کننده است. این مسئله ساده‌ای نیست. نباید نقش فضای مجازی را در حوزه دین و دین‌داری این قدر ساده تصور کنیم.

قدرت فضای مجازی به شناخت بیشتر و به چالش کشیدن و حذف کردن و جابه‌جا کردن است. به این سادگی در اختیار نیست که بتوان آن را مدیریت کرد و منطق خاص خودش را دارد. فضای مجازی اغواگری می‌کند. محصول این نوع از دین‌داری در فضای مجازی، سکولاریزم می‌شود. باید مواظب باشید از دین‌داری فضای مجازی، سکولاریزم و دین فردی درمی‌آید تا دین جمعی یا آن چیزی که ما به آن نیاز داریم و تلاش کردیم در انقلاب اسلامی آن را بسازیم و به آن عمل کنیم.

اگر تبلیغ دین‌داری به فضای مجازی واگذار شود، دین را مضمحل خواهد کرد. برای این مدعا، چند دلیل دارم: اولاً، فضای مجازی، با هدف خبررسانی ایجاد شده است و هدف بعدی آن به سخره گرفتن و استهزای همه چیز است. فضای مجازی، اطلاعات دهنده است ولی آگاهی دهنده نیست.

● کنش دینی بر مبنای عاطفه و احساس

این که دین از کجا شروع می‌شود و به کجا می‌رود، یک بحث عقلی است، ولی مطلب این است که اصلاً کنش دینی و رفتار دینی در جامعه در کجا از عقل شروع می‌شود؟ پیامبر خدا ﷺ هم وقتی که تبلیغ و کنش دینی انجام می‌دهد از

بُعد احساس و عاطفه شروع می‌کند. بعداً نقش فیلسوفان دینی را داریم. عمل دین‌داران و شروع دین‌داری و مجاب کردن مردم و حتی یاران خیلی نزدیک پیامبر خدا ﷺ به دین‌داری از بُعد احساس و عاطفه بوده است. من نمی‌گویم دین به معنای تأکید بر احساس و خیال است. من می‌گویم دین قاعده و ساختش در این جاست. ماهیت دین، مربوط به احساس و هیجان و عاطفه است.

● فضای مجازی و تولید سکولاریزم دینی

در مورد گسترش آیین‌ها و مراسمات در فضای مجازی، لازم است دقت بیشتری داشته باشیم. ویژگی‌های فضای مجازی، ویژگی‌های وحشتناکی است. اگر تبلیغ دین‌داری به فضای مجازی واگذار شود، دین را مضمحل خواهد کرد. برای این مدعا، چند دلیل دارم: اولاً، فضای مجازی، با هدف خبررسانی ایجاد شده است و هدف بعدی

احساسی، پدیدار نمی‌شود. فضای مجازی نمی‌تواند آن احساس را منتقل کند و نمی‌تواند جایگزین فضای حقیقی و عاطفی شود.

بعد از این که دین‌داری جامعه به فضای مجازی واگذار شد، علمای دینی ما کار خودشان را تعطیل کردند و توجه نکردند چه اتفاقی رخ داد. حضور آن‌ها در مسجد، حضورشان در ایام محرم و صفر، نشست‌ن آن‌ها در مسجد و قراردادن خودشان در مقابل منبر و وعظ و خطابه چقدر ارزش داشت.

گروهی هم به دنبال قدرت و سیاست و بحث‌های انتزاعی رفتند و همین سبب شد، این نوع از دین‌داری عاطفی که بنیان دین‌داری اسلام در ایران است، تضعیف شود. علمای دینی موفق کسانی هستند که محل مراجعه آدم‌ها در لحظه‌ها و موقعیت‌های متفاوت در مسجد، خانه و... باشند. زمزمه و مژه دین‌داری در آن جا تولید می‌شود، نه در فضای مجازی. دین عقلانی، دین دولتی، دین سکولار و دین اطلاعاتی را تولید می‌کند. من اصلاً اعتقاد ندارم که اگر فضای مجازی استقرار پیدا کند از دین به معنای واقعی آن که فرهنگ و فضای اخلاقی و انسانی تولید می‌کند، چیزی باقی خواهد ماند و حداقل پیامد آن این است که آخوند و روحانی از جامعه حذف خواهد شد.

● **جامعه‌شناسی کرونا و انفعال جامعه ایران و غریبان**

اگر یک‌زمانی مردم ایران دست از

نتیجه دین‌داری و مناسک دین‌داری در فضای مجازی، ایجاد سکولاریزم رادیکال و دین‌داری فردگرایانه است. این قصه خیلی عجیب و خیلی خطرناک می‌باشد. از این جهت دعا کنیم هرچه زودتر کرونا تمام بشود. دعا کنید برگردیم به فضای واقعی و مراودات و احساسات و رفتن به حرم و دیدن و شفاعت‌خواستن تا بتوانیم دینمان را نگه‌داریم و گرنه یک دین دیگری را شاهد خواهیم بود.

● **فضای مجازی؛ از بین برنده دین احساسی**

فضای مجازی، اصلاً چنین فرصتی برای فرد که بتواند احساس و عاطفه و دیدار و دیدن را بیان کند، فراهم نمی‌کند در حالی که دین‌داری ما بیشتر براساس عاطفه و احساس بوده است نه عقل و فکر و براساس عاطفه و احساس مجاب می‌شدیم و دین را می‌پذیرفتیم. فضای مجازی فرد را منفک می‌کند و در یک خلأ می‌گذارد.

اطلاع‌رسانی، استهزا و مسخره کردن همه عرصه‌ها و سؤالات مهم و تولید سؤالات بی‌پاسخ، سرنوشت دین‌داری در فضای مجازی است. همان‌طور که اشاره شد، دین با احساس روبه‌روست نه با عقل. درست است که شما فیلسوف هستید و به صورت عقلانی از دین دفاع می‌کنید، ولی دین‌داری مبتنی بر احساس و عاطفه و هیجان و مراودات فی‌مابینی است و این دین، دین ماندگاری است و برای جامعه مفید است تا دین عقلانی که شامل یک طیف خاصی از جامعه است. در فضای مجازی دین

به‌نظرم این جامعه‌شناسی بومی و آن بخش روشن‌فکری که نظام معرفتی را دنبال می‌کند به دنبال بیان تغییرات است. اکثر جامعه‌شناسان ایران، تغییرات و تطورات جریان‌های اجتماعی را می‌گویند و مسیر تغییرات را توضیح می‌دهند تا این‌که بخواهند ایدئولوژی غرب‌گرایانه را اشاعه بدهند. البته من نمی‌گویم در میان جامعه‌شناسان ایرانی افرادی وجود ندارند که جریان غرب را ترویج می‌کنند ولی این چه ارتباطی دارد به این‌که بگوییم این چارچوب‌های نظری جامعه‌شناسانه باطل هستند و باید جایگزین‌هایشان را بیآوریم؟ شما الآن کارهای جامعه‌شناسان ایرانی را

دین‌داری‌شان برداشتند، آیا معنایش این است که دین باطل بود؟ اگر یک عالم دینی فاسد بود به‌معنای فاسدبودن دین است؟ در پاسخ گفتنی است، که این نگاه‌ها خیلی نگاه‌های ساده‌انگارانه‌ای است. ما سال‌هاست روشن‌فکری ایران را باطل کردیم. اتفاقاً روشن‌فکری ایرانی از این کشور خارج شده است. بخش عمده روشن‌فکری ایرانی، در حوزه دینی خارج شده است و به همین دلیل شبهات دین در حوزه‌های علمیه باقی‌مانده است و حوزه علمیه گرفتار یک سکولاریسم شده. به‌نظرم، جایی که الآن محل تولید اندیشه‌های سکولار است، حوزه می‌باشد. چون در حوزه، روشن‌فکر دینی که مسئول این فکر بود و این توانایی را داشت که در مقابل چالش‌ها پاسخ گو باشد، از عرصه خارج شد و پاسخ دادن به سؤال‌هایی که در بدو امر دینی نبودند و می‌توانستند در نهایت نتیجه دینی بدهند به‌گردن خود علمای دینی و کارگزاران حوزه افتاد. بر این اساس، کرونا که می‌آید، مرکز نظام اجتماعی ایران را می‌زند. این که علما عقب‌نشینی کردند و همه عرصه‌ها را تعطیل کردند، به چه دلیل بود؟ برای این که سلامت جامعه را پذیرفتند و دین در این جا یک شجاعت بنیادین به خرج داد و گرنه در خیلی جاها اگر دین رادیکال داشتیم باید می‌گفت من به هر طریق، مناسک و آیین خود را حفظ می‌کنم ولی این کار را نکرد.

درست است که شما فیلسوف هستید و به صورت عقلانی از دین دفاع می‌کنید، ولی دین‌داری مبتنی بر احساس و عاطفه و هیجان و مرادفات فی‌مابینی است و این دین، دین ماندگاری است و برای جامعه مفید است تا دین عقلانی که شامل یک طیف خاصی از جامعه است. در فضای مجازی دین احساسی، پدیدار نمی‌شود. فضای مجازی نمی‌تواند آن احساس را منتقل کند و نمی‌تواند جایگزین فضای حقیقی و عاطفی شود.

بعد از این‌که دین‌داری جامعه به فضای مجازی واگذار شد، علمای دینی ما کار خودشان را تعطیل کردند و توجه نکردند چه اتفاقی رخ داد. حضور آن‌ها در مسجد، حضورشان در ایام محرم و صفر، نشستن آن‌ها در مسجد و قراردادن خودشان در مقابل منبر و وعظ و خطابه چقدر ارزش داشت.

که حتی در جمهوری اسلامی ما نتوانستیم به اندازه علامه طباطبایی کار انجام بدهیم. آن چیزی که بدان اشاره کردم، عمل دینی است. معتقدم جمهوری اسلامی فضایی است که عمل دینی باید درست اتفاق بیفتد. قرار بود ما به مسلخ فرهنگی نرویم، دچار تهدید و بیگانگی فرهنگی اجتماعی نشویم. من این معنا از دین را می‌گویم. دینی که مردم بتوانند اخلاق، معرفت، وفاداری و خدمت از آن بپروراند و یا در بیاورند. این چیزی است که کرونا آن را مورد سؤال و چالش قرار می‌دهد. کرونا کاری به بحث فقها و نوشتن کتاب و کلاس‌های آن‌ها ندارد، اما مراودات انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. من دین اسلام و شیعه را دین پنج‌تن آل‌عباس^{علیهم‌السلام} می‌دانم. دین خانوادگی می‌دانم. ولایت و امام علی^{علیه‌السلام} و فرزندان او که اهل خانه‌اند، می‌توانند این دین را پیش ببرند ولی دین خانوادگی نمی‌ماند به دلیل این که به تدریج، دین منطق خودش را پیدا می‌کند. پس خانواده ویرانش نمی‌کند و آن را از بین نمی‌برد. منطقش، منطق خود دین‌داران و اجتماعات دین‌دارانی است که از آن خانه بوده‌اند. آن جایک مناسبات حیات‌مند و یک فضای اجتماعی خاص خودش را دارد که منطق دین را تعیین می‌کند در حالی که برخی عالمان دینی به دنبال جدا کردن این فضا و منطق از دین‌داری هستند و تلاش می‌کنند بقای دین‌داری را به نهاد دین و قدرت پیوند دهند.

که در رابطه با تأثیرات کرونا بر جامعه ایرانی و خانواده ایرانی بحث می‌کنند، ملاحظه کنید. این که کرونا در عرصه‌های متفاوت چه اثراتی گذاشته است و چه تغییر مسیرهایی اتفاق افتاده است. این کار، کار جامعه‌شناسی بومی تجربی ایرانی است. کرونا فرهنگ ما را در جایی که ضعیف بودیم زده است و در غرب هم هر جایی ضعیف بود، زده است. غرب به دلیل این که بخش فقرا را فراموش کرده و سالمندان را جمع کرده بودند، این ویروس همه را گرفت و کشت. در کشور ما، نظام اقتصادی و شغل ضربه خورد و به همین دلیل مدیران تصمیم گرفتند سریع‌تر به کار برگردند. کرونا همه جوامع را یک‌جوری زده است و هر جامعه‌ای یک پاسخ متفاوتی به آن ارائه می‌دهد.

● ساحت دین و کنش عالمان دینی

در مورد دو ساحتی کردن دین هم باید اشاره کنم، من دین را یک دین به معنای عالمان دینی که بحث عقلانی و بحث تاریخ دین می‌کنند، در نظر دارم. فعالیت این گروه از عالمان منجر به ساختن اندیشه دینی می‌شود و فعالیت آن‌ها خصوصاً در دوره استبداد پرنرنگ می‌شود. به عنوان نمونه در رژیم شاه، آقای مطهری و علامه طباطبایی بیشترین نقش را در تولید اندیشه دینی داشتند. این فعالیت در زمان استبدادی انجام شده و هیچ اختلالی هم در فهم دینی در شرایط استبدادی ایجاد نکردند ولی توانستند فعالیت بسیار زیادی انجام دهند